

ظهور طرحی نو «دکترین مسئولیت برای حمایت»

مهران اسدزاده^۱، دکتر هیبت الله نژندی منش^۲

چکیده

در نظام سنتی بین‌المللی، حاکمیت مطلق دولت‌ها بر اتباع در بعد داخلی و استقلال عمل آنها در روابط خارجی، حق انحصاری و جهانی دولت‌ها محسوب و اصول «احترام به حاکمیت» و «عدم مداخله در امور داخلی» از ارکان نظام امور بین‌المللی تلقی می‌گردید. امروزه با تحول جامعه بین‌المللی و ظهور مفاهیم ارزش‌های نو در پرتو اندیشه بشردوستانه، دیگر نه می‌توان بر مطلق بودن «حاکمیت ملی» تکیه کرد و نه مرز کشورها را دیوارهای آهنینی پنداشت که عبور از آنها صرفاً منوط به اجازه «لویاتان‌ها» باشد. از اینرو گفته می‌شود که عنصر حاکمیت به عنوان قدرت عالی، مفهوم کلاسیک خود را از دست داده است. از اولین سال‌های قرن بیست و یکم دکترین «مسئولیت برای حمایت» به عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل و به عنوان راه‌حلی در پاسخ به کاستی‌های نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض فاحش حقوق بنیادین بشری، با ارائه سه عنصر اصلی پیشگیری، واکنش و بازسازی وارد ادبیات حقوقی شد. هدف اساسی این دکترین مقابله با نقض حقوق اساسی انسان‌ها در قلمرو یک کشور است و مهمترین تحول در این رابطه، مواردی است که دولتی به عللی چون اختلافات نژادی، قومی و مذهبی از انجام وظیفه در حفظ حقوق شهروندان ناتوان و یا مایل به انجام آن نیست که در این صورت، مسئولیت به جامعه بین‌المللی منتقل می‌گردد.

واژگان کلیدی: حقوق بشردوستانه، دکترین، مداخله بشردوستانه، مسئولیت برای حمایت.

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار، عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

جنگ جهانی دوم انگیزه اخلاقی و مذهبی داشت، چرا که هدف از آن مبارزه با جنگ و تجاوز بود. در هر حال جوهره نظریه مسئولیت حمایت به عنوان یک روش حفظ و حراست بهینه از امنیت بشری با مشارکت حقوق ملی و بین‌المللی است. بدون تردید آنچه که در این تئوری نهفته است، دستیابی به چیزی ورای واقعیتی است که در حوزه روابط بین‌الملل از آن با عنوان صلح منفی، یعنی وضعیتی که در آن جنگ وجود ندارد، یاد می‌شود (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

دکترین «مسئولیت حمایت» به عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل و به عنوان راه‌حلی در پاسخ به کاستی‌های نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض فاحش حقوق بنیادین بشری، وارد ادبیات حقوقی شد. هدف اساسی این دکترین مقابله با نقض حقوق اساسی انسان‌ها در قلمرو یک کشور است. دکترین مسئولیت حمایت با هدف مقابله با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در قلمرو یک کشور و توسط دولت‌ها تعریف و تبیین و طبق آن در مواردی که دولتی از انجام وظیفه در حفظ حقوق شهروندان ناتوان و یا مایل به انجام آن نیست، جامعه بین‌المللی عهده‌دار این مسئولیت می‌گردد (داداندیش، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

می‌توان گفت که محصول فکری دانشمندان برای ایجاد رابطه معقول و منطقی بین «امنیت انسانی» و «حمایت از حقوق بشر»، در رابطه با اصول پذیرفته شده حقوق جهانی مانند: حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله در حال به بار نشستن است. ایجاد دکترین تنش‌زدای مسئولیت برای حمایت در پی این مهم است تا برای حمایتی سیستماتیک از حقوق بشر و اجرای قانونی، منطقی و هدفمند مداخله بشردوستانه طریقی

در آخرین دهه قرن بیستم میلادی، میلیون‌ها انسان هدف مناقشات مرگباری در بوسنی، کنگو، کوزوو، رواندا، سودان و اوگاندا قرار گرفتند و جامعه بین‌المللی قادر به اقدامی مؤثر در این بحران‌ها نگردید. در مواردی چون یوگسلاوی سابق نیز که جامعه بین‌المللی در قالب «مداخلات بشردوستانه» به اقدام علیه دولت ناقض قواعد حقوق بشری پرداخت، این امر به دلیل سابقه مداخلات بشردوستانه در گذشته و رفتار گزینشی غرب در به کارگیری آن و همچنین حساسیت برخی دولت‌ها به اصول حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی، با مخالفت و عکس‌العمل‌هایی مواجه شد و در نهایت توسل به مفهوم مداخلات بشردوستانه و کاربرد آن در چنین مواردی با مشکل رو به رو گردید (Chesterman, 2001: 208-209).

گرچه از منظر الزام‌آوری هنوز مرز دقیقی بین اخلاق و حقوق ترسیم نشده و لیکن برخی از حقوقدانان پشتوانه اخلاقی مستحکم و فراگیر یک هنجار را از الزام‌آوری حقوقی صرف آن کم اهمیت‌تر نمی‌دانند. در جهان امروز لباس حقوق برتن کردن یک هنجار اخلاقی منوط به طی مراحل طولانی و عمدتاً شکلی نیست. همین که یک ارزش به صورت همه‌جانبه و فراگیر مورد استقبال اعضای جامعه بین‌المللی قرار گرفته و جنبه عرفی پیدا کرد، تردیدی در گردن نهادن به آن ارزش نباید داشت مگر نه این است که محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آغاز، جوهره اخلاقی و توصیه‌ای داشت لیکن بخش اعظمی از محتوای همان اعلامیه امروزه در قالب مقررات عرف بین‌المللی الزام‌آور شده‌اند. ماده ۲۲۷ معاهده ورسای تخدیش اخلاق بین‌المللی را جرم‌انگاری کرد. به نظر دوسو حتی عمل خشونت بار



ایجاد نماید. این تفکر با مسئول قلمداد کردن دولت‌ها، برای حمایت از اتباع خود، به منظور جلوگیری از نقض حقوق اساسی بشری آنها و مهمتر، پاسخگو پنداشتن دولت‌ها در مقابل جامعه جهانی، در قبال اهمال و قصور آنها، میرود تا روزه‌ای امیدبخش به سوی حمایت گسترده از حقوق بشر شکل دهد.

۱- گزارش هیأت عالی رتبه

با نزدیک شدن زمان برگزاری اجلاس سران کشورها برای بزرگداشت شصتمین سال تأسیس سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ میلادی و درخواست بسیاری از کشورها برای ایجاد اصلاحات در ساختار و رویکردهای این سازمان، دبیرکل سازمان ملل هیأت عالی رتبه‌ای را مأمور و منصوب نمود تا براساس شرایط روز جهانی و تحولات صورت گرفته در صحنه بین‌المللی، گزارشی را به منظور ایجاد اصلاحات لازم در سازمان ملل تهیه و ارائه نماید. این هیأت که مرکب از شانزده شخصیت شناخته شده و برجسته بین‌المللی بود، گزارش خود را در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» ارائه نمود. در این گزارش، هیأت مذکور با بیان اینکه اصل عدم مداخله در امور داخلی نمی‌تواند برای حمایت از اعمال نسل‌کشی یا دیگر اقدامات بی‌رحمانه که به درستی تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی است، مورد استناد قرار گیرد (داداندیش، پیشین: ۱۷۳-۱۷۲).

هیأت عالی‌رتبه، نظریه مسئولیت‌حمایت را به صورت جداگانه، در دو بخش از گزارش خود مورد اشاره قرار می‌دهد؛ نخست، در ذیل عنوان «حاکمیت و

سیر تاریخی مباحث نظری و طرح و توسعه

نظریه «مسئولیت برای حمایت»

الف) کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت کشورها

از نظر سابقه شکل‌گیری مفهوم مسئولیت‌حمایت می‌توان گفت گزارش کوفی عنان دبیرکل پیشین سازمان ملل - به مجمع عمومی در خصوص کار این سازمان در سال ۲۰۰۰ میلادی، سرآغاز این بحث بود. در این گزارش، وی به طرح این سؤال می‌پردازد که چنانچه مداخلات بشردوستانه، تعرضی غیرقابل قبول به حاکمیت باشد، چگونه می‌بایستی به وضعیت‌های رواندا و سربرنیتسا که نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که موهن تمامی بشریت است، پاسخ دهیم؟ (عنان، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

این کمیسیون درست یک سال بعد از تأسیس، در سپتامبر سال ۲۰۰۱ هسته اصلی نظرات خویش را جمع به مداخلات بشردوستانه را با خلق اصطلاح مسئولیت‌حمایت و جایگزینی آن به جای اصطلاح مداخلات بشردوستانه طی یک گزارش حدوداً ۹۰ صفحه‌ای منتشر نمود (قربان‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۷). در این گزارش، اعضای کمیسیون با خلق سه مرحله اجرایی پیشگیری، واکنش

¹ International Commission on Intervention and State Sovereignty (iciss), 2001, pxi



مسئولیت» از ایده مسئولیت‌حمایت، به عنوان ابزاری برای تقویت نظام امنیت دسته‌جمعی مد نظر منشور، یاد می‌کند (وکیل و عسگری، ۱۳۸۴: ۱۷).

۲- سند نهایی نشست سران در سال ۲۰۰۵

نشست سران کشورهای جهان، در شصتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و در سال ۲۰۰۵، یکی از بزرگترین گردهمایی‌های طول تاریخ در حوزه حقوق و روابط بین‌الملل است که در آن، حدود ۱۷۰ کشور جهان، به منظور به دست آوردن اجماع بر سر موضوعات مختلف حقوقی و سیاسی، از جمله نظریه مسئولیت‌حمایت، حضور به هم رسانیدند.

در این نشست موضوع مسئولیت‌حمایت برای اولین بار در سازمان ملل به رسمیت شناخته شد و سران دولتها، با پذیرش مسئولیت‌حمایت از غیر نظامیان در برابر جرائم چهارگانه نسل‌کشی، جرائم جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت، به توافقی بسیار مهم و اساسی دست یافتند (وکیل و عسگری، پیشین: ۱۷۴). سند پایانی اجلاس سران در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ به صورت روشن به موضوع مسئولیت‌حمایت پرداخت. در

بند ۱۳۸^۱ این سند گفته شده که هر دولتی عهده‌دار مسئولیت‌حمایت از اتباع خود در برابر نسل‌کشی، جرائم جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت است.

در بند ۱۳۹^۲ نیز بر این نکته تصریح شده که جامعه بین‌المللی هم مسئولیت دارد که از طریق ابزارهای مناسب دیپلماتیک، انسان دوستانه و سایر موارد مسالمت‌آمیز طبق فصول ۶ و ۸ منشور ملل متحد به حفاظت از شهروندان یک کشور در برابر جرائم و جنایات فوق کمک نماید.

۳- شورای امنیت و دکترین مسئولیت برای حمایت

پس از آنکه شورای امنیت، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، تلویحاً و با استفاده از عناوین «حمایت از غیرنظامیان» یا «به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی»، از مفاهیم موجود در نظریه مسئولیت‌حمایت استفاده می‌کرد، در سال ۲۰۰۶، بعد از انتشار سند نهایی نشست سران جهان در ملل متحد، قطعنامه شماره ۱۶۷۴ مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت. (سواری و حسینی بلوچی، پیشین: ۱۸۳-۱۸۲).

^۱ بند ۱۳۸ بدین شرح می‌باشد: هر دولتی عهده‌دار مسئولیت‌حمایت از اتباع خود در برابر نسل‌کشی، جرائم جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت است. این مسئولیت شامل پیشگیری از این جرائم و تحریک آنها از طریق ابزارهای لازم و مناسب می‌شود. ما این مسئولیت را می‌پذیریم و طبق آن عمل خواهیم کرد. جامعه بین‌المللی نیز باید به نحو مقتضی دولتها را در اعمال این مسئولیت تشویق، کمک، و سازمان‌ملل را در استقرار توانایی هشدار اولیه پشتیبانی نماید.

^۲ بند ۱۳۹ عبارت است از: جامعه بین‌الملل همچنین مسئولیت دارد که از طریق ابزارهای مناسب دیپلماتیک، انسان دوستانه و سایر موارد مسالمت‌آمیز طبق فصل ۶ و ۸ منشور سازمان ملل به حفاظت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت ناتوان باشند، ما آماده‌ایم تا با اتخاذ اقدام قاطعانه دسته‌جمعی به وسیله شورای امنیت، طبق منشور و از جمله فصل هفت آن، به صورت موردی و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای اقدام مناسب را به عمل آوریم. ما به ضرورت مداوم توجه به مسئولیت حفاظت از افراد در مقابل نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت و عواقب آن باتوجه به اصول حقوق بین‌الملل و منشور در مجمع عمومی تأکید می‌نماییم. ما همچنین قصد داریم که خود را چنانچه لازم و مقتضی باشد، به کمک کردن به دولتها، برای ایجاد ظرفیت برای حفاظت از افراد در مقابل نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت، همچنین کمک به آنها که قبل از شروع بحران‌ها و درگیریها تحت فشار هستند، متعهد نماییم.



اجرای این مسئولیت و جلوگیری از موارد سوء استفاده از این مفهوم را متذکر می‌شود و ضمن تأکید بر اهمیت پیشگیری در این استراتژی و نهایتاً توسل به اقدامی منعطف و متناسب با شرایط خاص هر مورد در صورت عدم موفقیت اقدامات پیشگیرانه، مبانی سه‌گانه آن را به شرح زیر بیان می‌دارد (داداندیش، پیشین: ۱۷۶)

- مسئولیت دولتها در حمایت از اتباع خود در برابر جرائم چهارگانه مورد بحث
- کمک‌های بین‌المللی و ظرفیت‌سازی
- پاسخ به موقع و قاطع جامعه بین‌المللی

وی در بیان قلمرو مسئولیت‌حمایت، نه تنها آن را عاملی مخدوش‌کننده برای حاکمیت نمی‌داند بلکه تأکید مجددی بر اصل حاکمیت کشورها می‌داند؛ وی همچنین پیشگیری در مسئولیت‌حمایت را اساسی‌ترین رکن در اجرای آن برمی‌شمارد. دبیرکل، برخلاف آنچه که در اذهان برخی از کشورها وجود دارد، مسئولیت‌حمایت را تنها برگرفته از اصول فکری غرب نمی‌داند؛ بلکه آن را مجموعه اصولی می‌شمارد که با وجود آنکه خصوصیتی جهانی دارند، قابلیت اختلاط و یکی شدن با ارزش‌ها و معیارهای محلی را نیز دارا هستند (سواری و حسینی بلوچی، پیشین: ۱۸۴-۱۸۳).

۵- مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی ملل متحد، در سال ۲۰۰۹، در شصت و سومین نشست سالیانه خویش، برای اولین بار پس از توافقات سال ۲۰۰۵، ملاحظات خود را راجع به مسئولیت‌حمایت ادامه داد. طی نشست‌هایی که مجمع عمومی برای تبادله نظر حول محور مسئولیت‌حمایت پیش‌بینی کرده بود، جمعاً ۹۴ کشور به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند (همان، ۱۸۴).

شورای امنیت در دو قطعنامه دیگر که به ترتیب در دسامبر ۲۰۰۶ و نوامبر ۲۰۰۹ (۱۸۹۴) تحت همان عنوان «حمایت از افراد غیرنظامی در منازعات مسلحانه» تصویب نمود، نه تنها هدف قرار دادن عمده غیرنظامیان و دیگر افراد مورد حمایت در منازعات مسلحانه را نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر می‌خواند، بلکه ارتکاب چنین اعمالی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و بر آمادگی خود برای بررسی و اقدام مقتضی در این‌گونه موارد تصریح می‌نماید (داداندیش، پیشین: ۱۷۶-۱۷۵).

مهمترین تجلی مسئولیت‌حمایت در قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت مورخ ۱۷ مارس ۲۰۱۱ است که در آن انجام هرگونه اقدام مورد نیاز برای حمایت از جان شهروندان غیرنظامی لیبی مجاز شمرده شده است (زمانی و نوری، ۱۳۹۱: ۳۰۰).

۴- گزارش دبیرکل در سال ۲۰۰۹

دبیرکل ملل متحد، در فوریه سال ۲۰۰۸، پروفیسور ادوارد لاک را به منصب جدید التأسیس «مشاور ویژه دبیرکل در زمینه نظریه مسئولیت‌حمایت» برگزید و بر او تکلیف کرد تا در مورد توسعه مفهوم این نظریه و ایجاد اجماع پیرامون آن در سطح بین‌المللی، تلاش نماید. در راستای این وظیفه، دبیرکل ملل متحد گزارشی را در ابتدای سال ۲۰۰۹، با مشاوره پروفیسور لاک، با عنوان «اجرای مسئولیت‌حمایت» منتشر نمود. در این گزارش، وی به شرح ساختار مسئولیت‌های کشورها و جامعه بین‌المللی در خصوص مسئولیت‌حمایت، مطابق با سند نهایی نشست سران جهان در سال ۲۰۰۵ می‌پردازد. (سواری و حسینی بلوچی، پیشین: ۱۸۳). وی در گزارش خود ضرورت توسعه یک استراتژی جامع سازمان ملل به منظور



- گزارش دبیرکل در اواخر ژوئیه ۲۰۰۹ در مجمع عمومی سازمان ملل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. علی‌رغم مباحثات عدیده و فشار غربی‌ها برای دستیابی به یک قطعنامه اصولی در رابطه با مسئولیت حمایت، دولت‌ها نتوانستند به اجماع در خصوص یک قطعنامه محتوایی و پایه‌ای دست یابند، زیرا اتفاق نظری پیرامون ابعاد گزارش دبیرکل وجود نداشت. به همین دلیل مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه‌ای با توجه به گزارش دبیرکل تصمیم گرفت به بررسی موضوع مسئولیت حمایت ادامه دهد.^۱
- مسئولیت شورای امنیت طبق ماده ۲۴ منشور سازمان ملل بر ای حفظ و تداوم صلح و امنیت بین‌المللی.
- وظایف ویژه قانونی طبق بیانیه‌های حقوق بشری و حمایت انسانی، میثاقین و عهدنامه‌ها، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق ملی.
- رویه‌های در حال توسعه دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و شورای امنیت سازمان ملل.

ج) مراحل عملی اجرای دکترین مسئولیت

برای حمایت

۱- مسئولیت پیشگیری

مسئولیت پیشگیری که به عنوان گزینه اصلی و اولویت نخست برای اعمال مسئولیت حمایت مدنظر است، پس از آنکه در تمام گزارش‌های موجود درباره مسئولیت حمایت مورد تأیید و تأکید قرار گرفت، در گزارش سال ۲۰۰۹ دبیرکل مل متحد نیز به عنوان سنگ بنای مسئولیت‌حمایت، مورد توجه خاص بان کی مون قرار گرفته است. هرچند که مسئولیت پیشگیری در مقایسه با مسئولیت‌های دیگر حمایت، چه از حیث مالی و چه از منظر حفظ جان و زندگی انسان‌ها کم هزینه‌تر و دارای اولویت است اما در عین حال، نیازمند اقدامات گسترده اجرایی و ایجاد ساختارهای خاص در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است.

ب) اصول و بنیادهای دکترین مسئولیت برای

حمایت^۲

- حاکمیت دولت متضمن مسئولیت است و مسئولیت اولیه حمایت از مردم برعهده خود دولت است.
- هر جا که گروهی از مردم در نتیجه جنگ داخلی، شورش، سرکوب، ورشکستگی دولت^۳ و یا عدم تمایل یا ناتوانی دولت در معرض آسیب جدی باشند، اصل «عدم مداخله» به نفع مسئولیت بین‌المللی برای مداخله رها خواهد شد.
- در کنه مفهوم حاکمیت دولت، وظیفه حمایت از اتباع خود نهفته است؛ به تعبیر دیگر بنیادی‌ترین وظیفه هر دولت ایفای مسئولیت حمایت از اتباع خود است.

¹ The responsibility to protect, A/Res/63/308, 7 October 2009

² Iciss:2001xi-xii

³ State Failure



فرهنگی انجام شوند تا کشور مزبور را مجبور به توقف جنایات علیه حقوق بشر و بشردوستانه کنند. سپس با وقوع شکست اقدامات کمتر قهری در مرحله اول مسئولیت واکنش، به ناچار در مواردی که اثبات شود اقدامات پیشگیرانه و واکنشی غیرنظامی برای حل موضوع کفایت نمی‌کند و چهار جرم نسل‌زدائی، جنایات جنگی، پاکسازی نژاد و جنایات علیه بشریت، کماکان در حال انجام هستند با امکان از دست رفتن جان و زندگی بسیاری از مردم در صورت وقوع این جنایات شدیداً تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، اجرای مسئولیت حمایت از سوی جامعه بین‌المللی در موارد استثنائی و با در نظر گرفتن شرایط همان قضیه، معطوف به استفاده از نیروی نظامی خواهد شد (سواری و حسینی بلوچی، پیشین: ۱۹۴).

بحث برانگیزترین جزء مسئولیت حمایت که نقدهای بسیاری بر آن وارد شده، بحث واکنش است، زیرا برخی ادعا می‌کنند که چارچوب "مسئولیت حمایت" مداخله‌گری را تشویق می‌کند و این امر مخالف بند ۷ ماده ۲ منشور است. در این مورد باید توجه داشت که اقدامات نظامی (طبق ماده ۴۲ منشور سازمان ملل) می‌بایست به عنوان آخرین حربه و به صورت استثنائی و هنگامی که بیم آن رود که نظم و صلح جهانی در معرض خطر قرار گیرند به کار گرفته شوند.^۱

در ضمن جامعه جهانی، می‌تواند قبل از تمسک به مداخله نظامی از اقدامات تنبیهی و تحریمی غیرنظامی^۲ (تحریم‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی) برای ممانعت حاکمیت کشوری از نقض حقوق بشر بهره‌جوید (طبق مواد ۳۹-۴۱ منشور سازمان ملل).

در گزارش کمیسیون مداخله و حاکمیت کشور و همچنین در سند نهایی نشست سران در سال ۲۰۰۵ به نخستین و مهمترین ابزار برای اجرای نمودن مسئولیت پیشگیری، یعنی ایجاد ساختارهای هشدار دهنده زودهنگام برای وقوع چهار جرم تحت پوشش مسئولیت حمایت، اشاره شده است (سواری و حسینی بلوچی، پیشین: ۱۹۲). در بحث پیشگیری حاکمیت و جامعه جهانی می‌بایست با شناسایی علل بروز فجایع بشری، راه کارهایی برای اجتناب از وقوع این بحران‌ها در پیش گیرند. مسئولیت پیشگیری در وهله اول متوجه حاکمیت و نهادهای ملی می‌باشد. در صورتی که حاکمیت در این امر ناتوان باشد، جامعه جهانی و در رأس آن مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل می‌بایست با شناسایی عوامل محرکه بروز بحران حقوق بشری با اتخاذ مکانیسم‌های مناسب در مورد هر قضیه از نقض حقوق بشر پیشگیری نمایند (جباری و حاضر وظیفه قره باغ، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

۲- مسئولیت واکنش

پس از آنکه کلیه اقدامات پیشگیرانه، با ناکامی مواجه شدند، اجرای مسئولیت پیشگیری از سوی جامعه بین‌المللی جای خود را به مسئولیت واکنش می‌دهد. مسئولیت واکنش، خود در دو مرحله و در دو سری اقدامات اجرایی متفاوت جهت کنترل و توقف نقض شدید و گسترده حقوق بشر صورت می‌گیرد. در وهله اول، اجرای مسئولیت واکنش، اقداماتی باید انجام شود که فاقد وصف نظامی هستند؛ بدین معنا که پیش از بکارگیری هرگونه گزینه نظامی، می‌بایست سیر اقدامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی، حقوقی و حتی اجتماعی و

^۱ ICISS, p.10-14

^۲ ICISS, p.3-9



۳- مسئولیت بازسازی

پس از مداخلات نظامی در واکنش به جنایات چهارگانه مذکور، مسئولیت حمایت پایان نمی‌یابد. در این مرحله تلاش می‌شود تا کشور مورد مداخله از هر حیث وضعیت مناسبی به خود گیرد. مسئولیت بازسازی، شامل انجام کلیه مساعدت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی برای بازیابی و بازسازی کشور مورد مداخله، خصوصاً پس از مداخله نظامی، از نظر سیاسی، اقتصادی، حقوقی و امنیتی است؛ همانطور که جامعه بین‌المللی در مسئولیت پیشگیری سعی می‌کند تا ریشه‌ها و اسباب وقوع بحران‌های انسانی کشف و حل و فصل نماید. به عبارت دیگر، تلاش می‌شود تا مشکلات مختلف، چه اینکه قبل از وقوع بحران وجود داشته‌اند و چه آن که پس از انجام مسئولیت واکنش به وجود آمده باشند، رفع شوند.

بنابراین از حیث امنیتی باید پس از اصلاح یا ایجاد نیروی نظامی و امنیتی مناسب، گروه‌های مختلف خلع سلاح شوند. خلع سلاح، رفع بسیج عمومی و استقرار مجدد یکی دیگر از وظایف گروه‌های مسئول برای بازگرداندن امنیت به یک کشور بحران زده است. خلع سلاح در عملیات تحکیم صلح به معنای جمع‌آوری، کنترل، از دسترس خارج کردن یا انهدام سلاح‌های کوچک، مهمات و مواد منفجره شهروندان است. از منظر حقوقی نیز باید نظام قضایی را بازسازی، حمایت و مدیریت کرد، بدین معنا که باید روابط حقوقی مناسب و معقول، جایگزین روابط حقوقی نامتوازن پیش از انجام واکنش گردند. در جامعه پس از بحران و مداخله نظامی چالش بزرگی درباره این موضوع وجود دارد که می‌بایست خاطیان و مرتکبان جنایات مجازات گردند.

از نگاه اقتصادی نیز باید حمایت‌های لازم جهت انجام توسعه اقتصادی از سوی جامعه بین‌المللی صورت گیرد. چرا که میان توسعه اقتصادی و خطر بازگشت بحران رابطه مستقیمی وجود دارد. بازیابی و بازسازی برنامه‌ها و سیاست اقتصادی، ایجاد شغل، آموزش نحوه دستیابی به فرصت‌های مالی، ایجاد مدیریت در منابع طبیعی از جمله اقداماتی هستند که می‌توان در زمینه بازیابی نظام اقتصادی انجام داد. از جهت سیاسی باید در رشد دموکراسی در داخل و توسعه روابط بین‌المللی کشور آسیب دیده از بحران شدید انسانی حمایت کرد (Gareth, 2008: 150).

نتیجه گیری

به تجربه ثابت شده است که بسیاری از دولت‌ها نه تنها دارای اراده لازم برای ایفای تکالیف حقوق بشری در قبال شهروندان خود، که بر طبق قانون اساسی ملی و نیز به موجب مقررات بین‌المللی پذیرفته شده‌اند، نیستند، بلکه در موارد متعددی خود عامل ایجاد و یا مانع پایان بحران و فاجعه‌ای هستند که در اثناء آن جان و مال بسیاری از افراد از دست می‌رود. از این حیث، دومین مرحله از ایفای نقش بر دوش جامعه جهانی قرار می‌گیرد تا با رعایت منطق حقوقی و ترتب در شدت واکنش، به وظیفه خود در موارد نقض حقوق انسانی عمل نماید. مسئولیت حمایت بر عهده دولت‌ها و همچنین جامعه بین‌المللی از طریق سازمان ملل می‌باشد. مسئولیت حمایت یعنی اینکه هر دولت وظیفه دارد که از ساکنانش در مقابل جرائم جمعی، نسل‌کشی، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و پاکسازی نژادی حمایت می‌کند. اگرچه، مسئولیت حمایت همچنین بر عهده تمام دولت‌های عضو سازمان ملل می‌باشد. این دولت‌ها بایستی در مواقع لازم بایستی به دولت‌های

اخلاق»، مجله نامه مفید، شماره ۳۷.
۶- عنان، کوفی (۱۳۸۵)، با آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت، و حقوق بشر برای همه، مترجم: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در ایران، تهران: انتشارات ایتاری.
۷- وکیل، امیرساعد و عسکری، پویا (۱۳۸۴)، جهانی امن تر: مسئولیت مشترک ما، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.

لاتین:

- 1- Chesterman, Simon (2001). *Just War or Just Peace: Humanitarian Intervention and International Law*, Oxford: Oxford University Press.
- 2- Gareth, Evans (2008). *The responsibility to protect: Ending Mass Atrocity Once and for All*, Washington D.C: Brooking institution press.
- 3- Bellamy Alex J. and Paul D. Williams (2011). "The New Politics of Protection? Côte d'Ivoire, Libya and the Responsibility to Protect", *International Affairs*, Volume 87, Issue 4.
- 4- Bellamy j, Alex (2008). "The responsibility to protect and the problem of military intervention", *International Affair*, vol.48, no.4.
- 5- Charney, J. (1999). "Anticipatory Humanitarian Intervention in KOSOVO", *American Journal of International Law*, Vol 93, No.4.
- 6- Lobel, J. and Rathner, M. (1999). "Bypassing the security council", *Ajil*, V 93, NO 1.
- 7- Parekh, Bhikhu (1997). "Rethinking Humanitarian Intervention", *International Political Science Review*, vol,18, no.1.
- 8- Philip C. Jessup. (1948). "A modem Law of Nations", *Indiana Law Journal*, VOL.24.
- 9- Reisman, W.M.(1995). "Humanitarian intervention and fledgling Democracies", *Fordham International Law Journal*, Vol 18, NO. 3.

هدف کمک نمایند و یا زمینه دخالت‌های لازم برای محافظت از مردم در مقابل جنایت‌های احتمالی دسته جمعی را به عمل آورند.

بر اساس گزارش «کمیسون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها»، استفاده از راه‌حل نظامی تنها به عنوان آخرین راه حل تأکید دارند. بنا به گزارش HLP -High Level Panel- هدف اولیه بایستی کمک به توقف درگیری‌ها از طریق میانجیگری و سایر ابزارها در جهت حفاظت از انسان‌ها و با بکارگیری اقداماتی از قبیل اعزام ناظران حقوق بشر، مأموران نظامی و گروه‌های بشردوستانه باشد. اما چنانچه اقدامات پیشگیرانه منجر به دفع تهدید نگردد، شورای امنیت سازمان ملل بنا به ضرورت می‌تواند تصمیم به دخالت، ولو دخالت نظامی، بر طبق منشور آن سازمان، بگیرد. بنابراین، این انتظار از رهبران جهانی می‌رود که اصولی را تعیین کنند که شرایط قانونی لازم جهت چنان مداخله‌ای را مشخصا بیان دارد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- جباری، منصور و حاضر وظیفه قره باغ، جلیل (۱۳۹۰)، «ارزیابی دکتترین مسئولیت حمایت در بحران دارفور سودان»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸.
- ۲- داداندیش، پروین (۱۳۹۱)، «تحولات لیبی و دکتترین مسئولیت حمایت»، مجله راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- ۳- زمانی، سید قاسم و نوری، وحید (۱۳۹۱)، «بحران غزه در ترازوی دکتترین مسئولیت حمایت»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره سوم.
- ۴- سواری، حسن و حسینی بلوچی، مهدی (۱۳۹۰)، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۲.
- ۵- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۲)، «مداخله بشردوستانه از منظر